

بررسی تطبیقی جایگاه و چگونگی ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ در احادیث فریقین - علی اکبر کلانتری
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال دوازدهم، شماره ۴۵ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۳، ص ۵۹ - ۸۰

بررسی تطبیقی جایگاه و چگونگی ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ در احادیث فریقین

علی اکبر کلانتری *

چکیده: درود فرستادن بر پیامبر ﷺ و خاندان او علیهم السلام، از ذکرها مهم و پر استعمالی است که در امت
اسلامی، جایگاهی رفیع و بی‌بدیل دارد.

این ذکر، در روایات اهل سنت، با عبارت‌های گوناگون و عمدتاً به چهار صورت نقل شده که یکی از
این صورت‌ها، مشهورتر و به نظر آنان از اعتبار بیشتری برخوردار است، ولی دامنه این اختلاف در میان
شیعه کمتر است و به هر حال می‌توان با بررسی بیشتر در این زمینه و رفع برخی ابهامات، از این عامل
به ظاهر اختلافی، در راستای وحدت جامعه اسلامی، بهره برد.

کلیدواژه‌ها: پیامبر ﷺ، آل پیامبر ﷺ، صلوات، اهل سنت، شیعه.

*. دانشیار دانشگاه شیراز.

از ذکرها می‌باشد که برای آن فضیلت‌ها و پاداش‌های فراوانی برشمرده‌اند، ذکر صلوات و درود بر پیامبر گرامی اسلام ﷺ و خاندان پاک او است.

البته چنان که می‌دانیم تعبیر رایج در میان برادران اهل سنت برای ابراز این ذکر، بیشتر "صلی الله علیه و سلم" یا "اللهم صلّی علی محمد و سلم" و در میان شیعه "اللهم صلّی علی محمد و آل محمد" یا "صلی الله علیه و آله و سلم" می‌باشد.

در روایات اهل سنت، عبارت‌های حاکی از ذکر صلوات، عمده‌تا به چهار صورت نقل شده که البته یکی از این صورت‌ها، مشهورتر و از روایان بیشتر و استناد بهتری برخوردار است، در حالی که دامنه اختلاف در میان شیعه پیرامون حکم و چگونگی ادای این ذکر، کمتر است.

البته از ویژگی‌های روایات شیعه آن است که بر الحاق آل پیامبر ﷺ به آن حضرت در ذکر صلوات تاکید می‌ورزد و به دیگر سخن، از صلوات ناقص و به تعبیر روایات، از صلوات مبتوره نهی می‌کند.

این مقاله با بهره‌گیری از روایات فریقین، نخست به بررسی جایگاه، حکم و چگونگی ذکر صلوات در منابع اهل سنت و سپس به بررسی جایگاه، حکم و چگونگی آن در منابع شیعه می‌پردازد و با طرح برخی مباحث مهم، توضیح خواهد داد که می‌توان با رفع برخی ابهامات و پاسخ به پاره‌ای از شباهات، از دامنه اختلاف کاست و این نقطه به ظاهر اختلافی را به عاملی وحدت ساز تبدیل نمود.

الف- اهل سنت و ذکر صلوات

۱- جایگاه

در منابع حدیثی اهل سنت به روایات فراوانی بر می‌خوریم که حاکی از اهمیت و جایگاه رفیع ذکر صلوات بر پیامبر گرامی اسلام ﷺ است. مصدر نخستین این

روایات، بیشتر خود پیامبر ﷺ و در پاره‌ای موارد، صحابه آن حضرت است. از قسم نخست است نمونه‌های ذیل:

- ابوهریره: ان رسول الله ﷺ قال: من صلی علی واحده صلی الله عليه عشرها. (مسلم، ج ۲، ص ۱۷، نسایی، ج ۳، ص ۵۰) "پیامبر خدا ﷺ فرمود: هرکس، یک بار برمن درود بفرستد، خداوند ده بار برراو درود بفرستد."

- عبدالله بن عامر، به نقل از پدر خود: ان النبي ﷺ قال: ما من مسلم يصلی على الا صلت عليه الملائكة ما صلی على، فليقل العبد من ذلك او ليكثر. (ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹۴) "پیامبر ﷺ فرمود: هیچ مسلمانی بر من درود نمی‌فرستد مگر اینکه تا وقتی او درود می‌فرستد، فرشتگان بر او درود می‌فرستند، حال این کار را کم انجام دهد یا زیاد."

- ابن عباس: ان رسول الله ﷺ قال: من نسى الصلاة على خطيء طريق الجن. (همان) "هرکس صلوات بر مرا فراموش کند (ترک نماید) راه بهشت را اشتباه رفته است."

- عبدالله بن مسعود: ان رسول الله ﷺ قال: اولى الناس بي يوم القيمة اكثراهم على صلاة. (ترمذی، ج ۱، ص ۳۰۲) "رسول خدا ﷺ فرمود: سزاوارترین مردم نسبت به من در روز قیامت، کسانی اند که برمن درود بیشتر بفرستند."

- فضاله بن عبید انصاری: روزی پیامبر ﷺ مردی را دید که نماز به جای آورده، ولی خدا را حمد و ثنا نگفت و بر پیامبر ﷺ درود نفرستاد و رفت، حضرت فرمود: او عجله کرد، سپس وی را صدا کرده و به او و دیگران گفت: اذا صلی احدكم فليبدأ بتحميد رب و الثناء عليه ثم ليصل على النبي ﷺ ثم يدعو بما شاء. (حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۲۶۹) "هرگاه یکی از شما نماز گزارد، به حمد و ثنای پروردگارش آغاز کند، سپس بر من درود فرستد و پس از آن در هر مورد می‌خواهد دعا کند."

- ابوهریره: پیامبر ﷺ فرمود: هرکس بگوید: اللهم صل على محمد وآل محمد كما صلیت على ابراهیم وآل ابراهیم وبارک على محمد وآل محمد كما بارکت على ابراهیم وآل ابراهیم وترحم على محمد وآل محمد كما ترحمت على ابراهیم وآل ابراهیم، من روز قیامت به نفع او

شهادت داده وی را شفاعت می‌کنم. (بخاری، الادب المفرد، ص ۱۳۹)

واز قسم دوم است نمونه‌های ذیل:

- عمر بن خطاب: ان الدعاء موقف بين السماء والارض ولا يصعد منه شيء حتى تصلى على نبيك ﷺ. (ترمذی، ج ۱، ص ۳۰۳) "دعا، بین آسمان وزمین متوقف می‌ماند و چیزی از آن بالا نمی‌رود، تا اینکه بر پیامبر ﷺ درود فرستی."
- شعبی: من لم يصلّى على النبي ﷺ في التشهد فليعد صلاتة. (بیهقی، ج ۲، ص ۲۷۹) "هر کس در تشهد، بر پیامبر ﷺ درود نفرستد، باید نمازش را اعاده کند."
- عبدالله بن مسعود: اذا صلّيت على رسول الله ﷺ فاحسنوا الصلاة عليه فانكم لا تدرؤن لعل ذلك يعرض عليه. (ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹۴) "هرگاه بر پیامبر خدا ﷺ درود می‌فرستید، این کار را به خوبی انجام دهید، شما نمی‌دانید شاید این عمل شما بر او عرضه شود."

۲- حکم

چنان که خواهیم دید، در مورد حکم فقهی صلوات بر پیامبر ﷺ در میان شیعه، اختلاف چندانی نیست، فقهای شیعه ذکر صلوات بر آن حضرت را در تشهد نماز، واجب و در غیر نماز هرگاه نام ایشان بر زبان جاری شود یا کسی نام آن حضرت را بشنود مستحب مؤکد می‌دانند. ولی دامنه اختلاف میان فقهای اهل سنت در این باب گسترده است.

ابن حجر عسقلانی، ذیل عنوان "باب الصلاة على النبي ﷺ" می‌گوید: من در این زمینه به ده قول دست یافته‌ام:

- ۱- ابن جریر طبری، صلوات بر پیامبر ﷺ را مستحب دانسته و بر آن ادعای اجماع نموده.
- ۲- ابن قصار آن را به طور فی الجمله واجب دانسته، ولی گفته است یک بار گفتن آن کفایت می‌کند.

- ۳- ابوبکر رازی حنفی، ابن حزم و برخی دیگر گفته‌اند: در نماز و غیر نماز واجب است. به گفته قطبی، در وجوب یک بار آن اختلافی نیست.
- ۴- به گفته شافعی و پیروان او، ذکر صلوات بین تشهید و سلام واجب است.
- ۵- از نظر شعبی و اسحاق بن راهویه، این ذکر در تشهید واجب است.
- ۶- به گفته ابو جعفر باقر، در نماز واجب است ولی محل معینی ندارد.
- ۷- بنابر دیدگاه ابوبکر بن بکیر مالکی، واجب است این ذکر فراوان گفته شود، ولی عدد آن معین نیست.
- ۸- طحاوی، گروهی از حنفی‌ها، حلیمی و دسته‌ای از شافعی‌ها، گفته‌اند، هرگاه نام حضرت برده شود، این ذکر واجب است. ابن عربی مالکی و همچنین زمخشri این قول را احوط دانسته‌اند.
- ۹- براساس نقل زمخشri، برخی گفته‌اند این ذکر در هر مجلس یک بار واجب است هر چند نام حضرت تکرار شود.
- ۱۰- نیز براساس نقل وی، این ذکر در هر دعا واجب است. (عسقلانی، ج ۱۱، صص ۱۲۸-۱۲۹)
- ممکن است بتوان برخی از این اقوال را جمع نمود و قدری از دامنه اختلاف میان آنان کاست، چنان که صحت انتساب برخی از این اقوال به قائلان آن‌ها قابل بررسی است، برای مثال، قول ششم که به امام باقر علیه السلام نسبت داده شده، باید با توجه به دیدگاه امامیه بررسی شود و اساساً نمی‌توان آن را از اقوال اهل سنت دانست، چنان که انتساب قول چهارم به ابن ادریس شافعی مشهور است و نباید در صحت آن تردید نمود.
- وی گفته است:

فرض من الله في القرآن انزله من لا يصلى عليكم لا صلاة له	يا اهل بيت رسول الله حبكم كفاكم من عظيم القدر انكم
--	---

ای خاندان پیامبر خدا! دوست داشتن شما، از سوی خدا واجب شده، این را در قرآن فرو فرستاده است. در عظمت قدر و منزلت شما همین بس که هر کس (در نماز خود)

بر شما درود نفرستد، نمازی برای او نیست." (نک: زرندی، ص ۱۸، ابن بطريق، ص ۲۰، قاضی نعمان

مغربی، ج ۲، ص ۴۸۹، بکری دمیاطی، ج ۱، ص ۴۸۹)

چنان که به احتمال زیاد، مورد قول نخست و برخی اقوال دیگر، غیر نماز است، بر این مبنای همه ایشان این ذکر را در نماز و هنگام تشهید واجب می‌دانند، سخن زیر از عسقلانی نیز می‌تواند اشاره به همین امر باشد:

لَمْ أَرْعَنْ أَحَدَ مِنَ الصَّحَابَةِ وَالْتَّابِعِينَ التَّصْرِيفَ بَعْدَ الْوُجُوبِ. (عسقلانی، ج ۱۱، ص ۱۴۱) "نديدم هيچ يك از صحابه و تابعین، تصريح به عدم وجوب كرده باشند."

چگونگی

در مورد صورت و چگونگی ذکر صلوات نیز در روایات اهل سنت، اختلافاتی به چشم می‌خورد. می‌توان با تکیه بر این روایات و البته با صرف نظر از برخی تفاوت‌های جزئی در عبارت‌های آنها، از چهار صورت ذیل یاد کرد:

صورت نخست:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمٍ فِي الْعَالَمِينَ انك حمیدمجید.

این عبارت یا عبارت‌های نزدیک به آن را بسیاری از محدثان اهل سنت گزارش کرده‌اند.

احمد بن حنبل، با سند خود از ابن مسعود انصاری نقل می‌کند که وی گفت: در مجلس سعد بن عباده بودیم که رسول خدا ﷺ وارد شد. در آن مجلس، بشیر بن سعد به حضرت عرض کرد: خداوند به ما دستور داده به شما درود بفرستیم، چگونه درود بفرستیم؟ پیامبر ﷺ سکوت اختیار کرد به گونه‌ای که پنداشتیم که از پاسخ دادن کراحت دارد، ولی سپس فرمود: بگویید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ... (ابن حنبل، ج ۵، ص ۲۷۴، نیز نک: مسلم، ج ۲، ص ۱۶، ابو داود، ج ۱، ص ۲۲۲، ترمذی، ج ۵، ص ۳۸، نسایی، ج ۳، ص ۴۵، یقهی، ج ۲، ص ۱۴۶)

نیز ابن حنبل با سند خود از ابی سعید خدرا نقل می‌کند که وی گفت: به پیامبر ﷺ عرض کردیم: هذا السلام عليك قد علمناه فكيف الصلاة عليك؟ این نحوه سلام کردن بر شما، که آن را یاد گرفتیم، پس چگونه بر شما درود بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگویید: اللهم صلّی علی محمد عبدک و رسولک کما صلیت علی ابراهیم و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم. (ابن حنبل، ج ۳، ص ۴۷، بخاری، ج ۶، ص ۲۷، ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹۳، ابن ابی شیبہ کوفی، ج ۲، ص ۳۹۱)

اسمعایل بن اسحاق جهضمی مالکی (د ۲۸۲ق) در زمینه صدور این روایت، گزارش کاملی می‌دهد و می‌نویسد: لما نزلت هذه الآية: انَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يَصْلُوُنَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلَوَا عَلَيْهِ وَ سَلَّمُوا تَسْلِيمًا، قلنا يا رسول الله! قد علمنا السلام فكيف الصلاة؟ قال: قولوا: اللهم صلّی علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم حمید مجید و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت وصلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید. (جهضمی، ص ۵۴)

"چون آیه "انَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يَصْلُوُنَ عَلَى النَّبِيِّ ... " (احزاب/۵۶) نازل شد (و ما براساس آن مامور شدیم بر پیامبر ﷺ سلام کنیم و صلوات فرستیم) عرض کردیم: ای پیامبر خدا! چگونگی سلام کردن بر شما را فرا گرفتیم، نحوه صلوات فرستادن بر شما چگونه است؟ فرمود: بگویید: اللهم صلّی علی محمد و علی آل محمد کما ..."

روایات زیر نیز هریک به نحوی، صورت نخست را گزارش می‌کنند: دارمی، با سند خود از ابی لیلی نقل می‌کند که وی گفت: لقینی کعب بن عجزه قال: الا اهدی اليک هدیة؟ ان رسول الله ﷺ خرج علينا فقلنا: قد علمنا کیف السلام عليك فكيف نصلی عليك؟

کعب بن عجزه با من ملاقات کرده، گفت: آیا هدیه‌ای به تو ندهم؟ (روزی) پیامبر خدا ﷺ به سوی ما آمد، به ایشان عرض کردیم: ما نحوه سلام کردن بر شما را آموختیم، چگونه بر شما درود فرستیم؟ فرمود: بگویید: اللهم صلّی علی محمد و علی آل

محمد کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید، و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم انک حمید مجید. (دارمی، ج ۱، ص ۳۰۹، نیز نک: بخاری، ج ۷، ص ۱۵۶؛ مسلم، ج ۲، ص ۱۶، ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹۳، نسایی، ج ۳، ص ۴۸، بیهقی، ج ۲، ص ۱۴۷)

نسایی ذیل عنوان "كيف الصلاة على النبي ﷺ" با سند خود از موسی بن طلحه از پدرش نقل می‌کند که وی گفت: عرض کردیم: ای رسول خدا! چگونه برشما درود فرستیم؟ فرمود: بگویید: اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید، و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید. (شافعی، ص ۴۲)

ابن ادریس شافعی با سند خود از ابوهریره نقل می‌کند که وی گفت: به رسول خدا ﷺ عرض کردیم: چگونه هنگام نماز برشما درود فرستیم؟ فرمود بگویید: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابراهیم. (همان)^۱

۱. گفتنی است در عبارت‌های صورت نخست، تعبیری به کار رفته که تا حدودی قابل درنگ به نظر می‌رسد و آن عبارت "کما صلیت علی ابراهیم" یا "کما بارکت علی ابراهیم" و مانند آن است. چه اینکه افضل و اشرف بودن پیامبرگرامی اسلام و آن نسبت به همه پیامران علیهم السلام از جمله حضرت ابراهیم علیهم السلام اتفاقاً می‌کند تشیبه به عکس این باشد. عالمان اهل سنت به این اشکال پاسخ‌هایی داده‌اند از جمله:

- این که پیامبر ﷺ درخواست می‌کند "خداوند بر او درود فرسته همانگونه که بر ابراهیم علیهم السلام درود فرستاد" و تعبیرات مانند آن مربوط به زمانی است که هنوز نمی‌دانست وی از همه پیامران افضل و اشرف است.

- این درخواست پیامبر ﷺ برای امنش بود، نه برای خود و خاندانش.

- سخن با جمله "صلّ علی محمد" تمام شده و عبارت "علی آل محمد" گزاره‌ای است جدید و جملات بعدی تنها مرتبط با همین گزاره می‌باشد و تقاضای همانندی با ابراهیم علیهم السلام و آل او صرفاً برای آل پیامبر ﷺ است.

- مورد تقاضاً آن است که خداوند برای محمد ﷺ و آل او، همه آن مقدار صلوٽ و برکاتی را قرار دهد که برای ابراهیم علیهم السلام و آل او قرار داده زیرا منظور از آن، پیامبر همه پیروان او است و با این حساب همه پیامران دیگر و پیروانشان، آل ابراهیم علیهم السلام خواهند بود در حالی که هیچ پیامبری در آل محمد علیهم السلام داخل نخواهد بود و بدین ترتیب مقدار صلوٽ و برکات در مشبه، کمتر از آن در مشیه به خواهد بود.

- این تشییه از باب الحق کامل به اکمل نیست، بلکه نوعی تقاضاً به گونه اولویت محسوب می‌شود و معنای عبارت این است که صلوٽ و برکاتی که برای ابراهیم علیهم السلام وآل او در نظر گرفتی، آن را به طریق اولی، برای محمد ﷺ و آل او درنظر بگیر. (ر.ک. شرح صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۵، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۸، ص ۴۱)

بدینهی است همه یا بیشتر این پاسخ‌ها، مورد اشکال وفاقد دلیل است. به نظر می‌رسد می‌توان با پرهیز از این تکلفات چنین پاسخ داد:

صورت دوم:

صورت دوم، عبارتی است که آن را احمد بن حنبل با سند خود از ابی حمید ساعدی نقل می‌کند. براساس این نقل، گروهی از صحابیان به پیامبر خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} عرض کردند: چگونه بر شما درود فرستیم؟ حضرت فرمود بگویید: اللهم صل علی محمد و ازواجه وذریته کما بارک علی آل ابراهیم انک حمید مجید. (ابن حنبل، ج ۵، ص ۴۲۴، نیز نک: ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹۳، ابو داود، ج ۱، ص ۲۲۲، بیهقی، ج ۲، ص ۱۵۱)

ابوداود نیز با سند خود از ابوهریره نقل می‌کند که وی گفت: پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمود: هر کس دوست دارد اعمالش با کامل ترین پیمانه سنجش شود، هرگاه بر ما اهل بیت درود می‌فرستد، بگویید: اللهم صل علی محمد النبي و ازواجه امهات المؤمنین و ذریته و اهل بیت کما صلیت علی آل ابراهیم انک حمید مجید. (ابو داود، ج ۱، ص ۲۲۲، نیز نک: بیهقی، ج ۲، ص ۱۵۱، مبارکفوری، ج ۲، ص ۴۹۵)

همچنین عبدالرزاق صنعنانی با سند خود از عمرو بن حزم و او از مردمی از اصحاب پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} (عن رجل من اصحاب محمد^{صلی الله علیه و آله و سلم}) نقل می‌کند که پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} می‌فرمود: اللهم صل علی محمد و علی اهل بیته و علی ازواجه و ذریته کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید و بارک علی محمد و علی اهل بیته و ازواجه و ذریته کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید. (ابن ابی شیبه کوفی، ج ۲، ص ۲۱)

لازم نیست همیشه مشبه به، نسبت به مشبه، اکمل و اشرف باشد زیرا گاه مشهور و معروف بودن آن برای الحق و تشییه کافی است هر چند به لحاظ رتبه و منزلت در درجه نازل تری نسبت به مشبه قرار گیرد. چنان که قرآن می‌فرماید: مثل نوره کمشکاه ... (نور/۳۵)

و نیز در جاهای دیگر فرمود: کتب عليکم الصیام كما كتب على الذين من قبلکم (بقره/ ۱۸۳)

انا اوحينا اليك كما اوحينا الى نوح (نساء/ ۱۶۳)

احسن كما احسن الله اليك (قصص/ ۷۷)

در مساله مورد بحث نیز آشنازی و پیشینه‌ی دهنی اهل زبان نسبت به ابراهیم^{صلی الله علیه و آله و سلم} و امور مرتبط با آن حضرت، زمینه ساز و توجیه کننده این الحق و تشییه است هر چند به لحاظ مراتب و درجات، پایین تر از پیامبر اسلام^{صلی الله علیه و آله و سلم} می‌باشد.

صورت سوم:

صورت سوم، عبارتی است که در یکی از نقل‌های ابن ماجه به چشم می‌خورد. در روایتی که این محدث باستد خود از عبدالله بن مسعود نقل می‌کند آمده است که وی گفت: هرگاه بر پیامبر خدا^{صلی الله علیه و سلیمانة} درود می‌فرستید، این کار را به خوبی انجام دهید شما چه می‌دانید شاید این سختان بر او عرضه شود. برخی به او گفتند: به ما یاد ده چگونه بر ایشان درود فرستیم، پاسخ داد بگویید:

اللهم اجعل صلاتك و رحمتك و بركاتك على سيد المرسلين و امام المتقين و خاتم النبئين،
محمد عبدك و رسولك امام الخير و قائد الخير و رسول الرحمة. اللهم ابعثن مقاما محمودا غيظه
الاولون والاخرون، اللهم صل على محمد و على آل محمد كما صليت على ابراهيم و على آل
ابراهيم انك حميد مجيد. (ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹۴)

صورت چهارم:

ابوداؤد با سند خود از ابومسعود انصاری نقل می‌کند که وی گفت: در مجلس سعد بن عباده بودیم که پیامبر^{صلی الله علیه و سلیمانة} برا موارد شد، آن جا بشیر بن سعد پیامبر^{صلی الله علیه و سلیمانة} را مخاطب ساخته عرض کرد: خداوند به ما فرمان داده بر شما درود فرستیم، چگونه درود فرستیم؟ حضرت لحظاتی سکوت کرد، سپس فرمود بگویید: اللهم صل على محمد النبي الامی و على آل محمد. (ابوداؤد، ج ۱، ص ۲۲۲)

بررسی

چنان که می‌بینیم، صورت اخیر، بخشی از صورت نخست است که نباید آن را گونه‌ای مستقل دانست، به خصوص این که راوی این حدیث یعنی ابومسعود انصاری همان راوی حدیث اول در صورت نخست است. تنها تفاوت میان این دو روایت، بلندی و کوتاهی ذکر صلووات در آنها است که این هم دلیل بر تعدد نیست.

در مورد صورت سوم نیز همان گونه که می‌بینیم، در حدیث مربوط به آن، عبارتی از پیامبر^{صلی الله علیه و سلیمانة} نقل نشده است. آن چه در آن دیده می‌شود، جملاتی است از عبدالله بن

مسعود، و این می‌تواند برداشت و استباط خود وی از ذکر صلوات باشد. برخی در سند این روایت نیز خردگیری کرده‌اند، از جمله هیثمی که در ذیل این روایت نوشته است:

رجاله ثقات الـ انـ المسعودي اختلط باـخر عمره ولم يتمـيز حديثـ الاول منـ الآخرـ فاستحقـ التركـ كما قالـه ابنـ حـبـانـ. (ابـنـ مـاجـهـ، جـ ۱ـ، صـ ۲۹۴ـ) "رـجالـ نـقـلـ كـنـتـهـ اـيـنـ روـاـيـتـ موـرـدـ وـثـوقـ اـنـدـ مـكـرـ مـسـعـودـيـ كـهـ درـ پـاـيـانـ عـمـرـشـ دـچـارـ خـلـطـ شـدـ بـهـ گـونـهـايـ كـهـ حـدـيـثـ نـخـسـتـ خـودـ رـاـ اـزـ حـدـيـثـ بـعـدـ اـشـ تـشـخـصـ نـمـيـ دـادـ بـنـابـرـايـنـ چـنانـ كـهـ ابنـ حـبـانـ نـيـزـ گـفـتـهـ سـزاـوارـ اـسـتـ حـدـيـثـ اوـ تـرـكـ شـوـدـ".

در مورد صورت دوم نیز باید گفت: این عبارت را شمار کمتری از محدثان (نسبت به صورت نخست) نقل کرده‌اند و در همین مقدار نقل نیز برخی اشکال سندی کرده‌اند، از جمله هیثمی که پس از نقل صورت دوم از بریده می‌نویسد: این حديث را احمد (بن حنبل) با سندی نقل کرده که در آن ابوداد اعمی قرار دارد و این راوی، ضعیف است. (هیثمی، جـ ۲ـ، صـ ۱۴۴ـ)

بنابراین باید مهم‌ترین صورت را صورت نخست دانست که شمار فراوانی از محدثان با سندهای متعدد آن را گزارش نموده‌اند و کسی هم در سند و مدلول آن مناقشه ننموده است.

ب- شیعه و ذکر صلوات

۱- جایگاه

نیاز به توضیح نیست که ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ و آل او ﷺ از نگاه شیعه، از اهمیت بسیار بالا و جایگاهی بی‌بدیل برخوردار است و تردیدی در تواتر روایات آن نیست. در ذیل به سه نمونه از این روایات که شیخ کلینی با سند صحیح نقل نموده است، بسنده می‌کنیم.

ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: اذا ذكر النبي ﷺ فاكثروا الصلاة عليه، فانه من

صلی علی النبی ﷺ صلاة واحدة صلی الله علیه الف صلاة فی الف صف من الملائکه، ولم یبق شیء مما خلقه الله الا صلی علی العبد لصلاۃ الله علیه وصلاۃ ملائکته. فمن لم یرغب فی هذا فهو جاهل مغور، قد برع الله منه و رسوله واهل بيته. (کلینی، ج ۲، ص ۴۹۲)

هرگاه پیامبر ﷺ یادشود، بر او درود فراوان فرستید، زیرا هرکس بر پیامبر ﷺ یک درود فرستد، خداوند بر او هزار درود در هزار صف از فرشتگان فرستد. و هیچ یک از آفریدگان خدا باقی نمیماند، مگر این که بر او درود فرستد، چون خدا و فرشتگان او بر وی درود فرستاده‌اند. پس هرکس به این ذکر بی‌رغبتی کند، نادان و فریب خورده است و خدا و پیامبر و خاندانش از او بیزار هستند.

هشام بن سالم نیز می‌گوید، امام صادق علیه السلام فرمود: لا یزال الدعا، محجوبا حتی يصلی علی محمد و آل محمد. (همان، ص ۴۹۱) "دعا پیوسته در حجاب است (و به اجابت نمی‌رسد) تا این که بر محمد ﷺ و خاندان او درود فرستاده شود."

و براساس نقل عبدالله بن سنان، آن حضرت فرمود: الصلاة علىّ وعلى اهل بيتي تذهب بالاتفاق. (همان، ص ۴۹۲) "درود فرستادن بر من و خاندانم نفاق را از بین می‌برد."

۲- حکم

از نظر فقهای شیعه، ذکر صلووات در تشهید نماز واجب است و می‌توان این حکم را مورد اتفاق ایشان دانست. صاحب جواهر می‌نویسد: "من در این مورد به کسی که به طور مسلم مخالفت کرده باشد برنخوردم، بلکه صاحبان غنیه، تذکره، متنهی، ذکری و کنز العرفان در این باره ادعای اجماع کرده‌اند." (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۵۳)

وی می‌افزاید: "در این زمینه تنها از شیخ صدق و والدش و ابن جنید، نقل مخالفت شده"

سپس به این نکته اشاره می‌کند که با درنگ بیشتر در موضع این سه تن، روشن می‌شود ایشان مخالف حکم مزبور محسوب نمی‌شوند و عبارت‌های ایشان قابل توجیه

است. برای مثال، اگر شیخ صدوق در برخی آثار خود گفته است "یجزی فی التشهید الشهادتان" (الامال، ص ۶۴۴) و سخنی از ذکر صلوات به میان نیاورده، این به سبب معروف بودن ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ پس از آمدن نام آن حضرت در شهادتین است. (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۵۳) به هر حال سزاوار نیست در وجوب این ذکر در تشهید نماز، از نگاه شیعه تردید روا داشت، زیرا از پشتونه روایی کافی برخوردار است، برای نمونه شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

ان الصلاة على النبي ﷺ من تمام الصلاة ... و من صلى ولم يصل على النبي و ترك ذلك متعمدا فلا صلاة له. (من لايحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۸۳) "درود فرستادن بر پیامبر ﷺ تمام کننده نماز است... هرکس نماز بگزارد ولی برآن حضرت درود نفرستد و این کار را از روی عمد ترک نماید، نمازی برای او نیست."

نیز از آن حضرت نقل می‌کند: اذا صلى احدكم و لم يذكر النبي ﷺ في صلاتة سلك بصلاته غير سبيل الجنة. (ثواب الاعمال، ص ۲۰۶، نیز نک: برقی، ج ۱، ص ۹۵) "هرگاه یکی از شما نماز بگزارد، ولی در نماز خود از پیامبر ﷺ یاد نکند، با نماز خود راهی غیر از راه بهشت پیموده است".

آن چه گذشت، در مورد حکم این ذکر در حال نماز بود. اما چنان چه کسی در غیر این حال، نام پیامبر ﷺ را به زبان آورد یا آن را از زبان دیگری بشنود، براساس فتوای مشهور در میان فقهای شیعه، مستحب موکّد است بر آن حضرت درود فرستد.

در این میان، صاحب حدائق، قائل به وجوب شده. (بحرانی، ج ۸، ص ۴۶۲) و همین قول را به ابن بابویه و صاحب کنز العرفان نیز نسبت داده است. (همان، ص ۴۳۹)

مستند این قول نیز، برخی روایات از پیامبر اکرم ﷺ است، برای نمونه: - البخل حقاً من ذكرت عنده فلم يصل على. (صدق، معانی الاخبار، ص ۲۴۶) "به حق، بخیل کسی است که نام من نزد او برده شود و بر من صلوات نفرستد."

- البخیل کل البخیل الذی اذا ذکرت عنده لم يصلّ علیٰ. (مفید، ج ۲، ص ۱۶۹) "بخیل کامل کسی است که هرگاه پیش او نام من برده شود بر من درود نفرستد."

- اجفی الناس رجل ذکرت بین یدیه فلم يصلّ علیٰ. (ابن فهد، ص ۴۱) "ستمکارت‌ترین مردم کسی است که در حضور او از من یاد شود ولی بر من درود نفرستد."

و مانند روایت ذیل از امام صادق علیه السلام: الصلاة على النبي ﷺ واجبة في كل موطن و عند العطاس والذبائح وغير ذلك. (حرّ عالمي، ج ٧، ص ٢٠٣) "درود فرستادن بر پیامبر ﷺ در هر جایی (از جمله) هنگام عطسه نمودن و سر بریدن حیوانات وغیر این موارد واجب است."

صاحب جواهر پس از خدشه بر دلالت این روایات بر وجوب، به این نکته تصريح می‌کند که آنان که با لسان شرع و رمز آن آشنایی دارند، می‌دانند که از این روایات چیزی جز استحباب استفاده نمی‌شود. افزون بر این، وی به اموری مانند اصل (برائت از وجوب)، اجماع و سیره قطعیه نیز تمسک می‌کند. (نجفی، ج ۱، ص ۲۵۹)

ممکن است گفته شود برخی روایات مانند روایت اخیر به صراحت، سخن از وجوب به میان آورده، ولی باید گفت به کارگیری این گونه تعبیرات از سوی ائمه علیهم السلام در اموری که واجب نبودن آنها قطعی است و در زمرة مستحب‌های موکّد محسوب می‌شوند، امری است رایج. برای نمونه از امام صادق علیه السلام نقل است: "سجدة الشكر واجبة على كل مسلم." (صدقوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۳۳)

نیز از آن حضرت نقل است: "الحقيقة واجبة" (کلینی، ج ۶، ص ۲۵)

۳- چگونگی ذکر صلووات در منابع شیعه

چنان که می‌دانیم، عبارتی که شیعه به عنوان ذکر صلووات در حال نماز و غیر حال نماز به کار می‌برد، جمله معروف "اللهم صلّ علی محمد و آل محمد" است. به گفته صاحب جواهر، برخی از فقهاء وجوب بر زبان آوردن این عبارت در تشهد را مشهور

دانسته، بلکه برخی، اجماعی بودن آن را گمان کرده‌اند. (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۶۲) بی‌تر دید گفتن این عبارت جهت ادای تکلیف، اعم از وجوبی یا استحبابی، کفايت می‌کند. ولی در این زمینه مباحثی وجود دارد که طرح آن‌ها به روشن‌تر شدن موضوع و رفع برخی ابهامات کمک می‌کند.

از جمله این که آیا انجام تکلیف، متعین در ادای این عبارت است. و یا با گفتن جملات مشابهی که در بردارنده همین مضمون باشد نیز تکلیف انجام می‌شود؟ می‌توان از مجموع روایات و سخنان فقهاء به وجه دوم دست یافت.

براساس نقل شیخ صدق، آن گاه که از چگونگی درود فرستادن بر پیامبر ﷺ سوال شد، حضرت فرمود می‌گویید: صلوات الله و صلوات ملائكته و انبیائه و رسله و جمیع خلقه علی محمد و آل محمد و السلام علیه وعلیهم و رحمة الله و برکاته. (معانی الاخبار، ص ۲۶۳)

این درحالی است که به یقین می‌دانیم، می‌توان درود فرستادن بر آن حضرت را در قالب همان عبارت مشهور نیز انجام داد. به دیگر سخن، این جمله تنها در قالب یک مثال، آن هم با عبارتی کوتاه ارزیابی می‌شود. چنان که صاحب جواهر نیز پس از پاره‌ای مباحث می‌نویسد: من ذلک کله یعلم حینئذ ان ما ورد فى النصوص من اللفظ المخصوص على جهة المثال. (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۶۳) "از همه آن چه گفتیم دانسته می‌شود لفظ ویژه‌ای که در نصوص آمده (صرفا) از باب مثال است."

وی در جایی دیگر می‌نویسد: لا ريب في أن الاقوى إجزاء مطلق مسمى الصلاة على النبي ﷺ و ان الا هو الاقتصار على اللفظ المخصوص. (همان، ص ۲۶۴) "شکی نیست در این که فتوا، کفايت نمودن هرگونه عبارتی است که بتوان آن را درود فرستادن بر پیامبر ﷺ نامید، هر چند احتیاط (مستحب) آن است که بر همان لفظ مخصوص بسنده شود."

وی هم چنین از علامه حلی نقل می‌کند که گفته است: اگر شخص بگوید: صلی الله

علی محمد و آله یا صلی الله علیه و آله یا صلی الله علی رسوله و آله، کفایت می‌کند چون با همه این عبارت‌ها، مقصود حاصل است. (همان)

بحث مهم دیگر آن که آیا لازم است در این ذکر، آل و خاندان پیامبر ﷺ نیز همراه با پیامبر ﷺ آورده شود یا تنها درود فرستادن بر آن حضرت کفایت می‌کند؟

ظاهر بدوى برخى روایات، احتمال دوم است. (نک: کلینی، ج ۱، ص ۴۵۱، ج ۳، ص ۳۰۳ و ج ۴، ص ۳۴۱) صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۱۸ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۶۵، ج ۴، ص ۲۳۱ و لی چنان که گفتیم این ظهور، بدوى است و تنها در مقام بیان اهمیت اصل این ذکر و با قطع نظر از نکات الحقیقی آن است، چرا که بر اساس مدلول صریح بسیاری از روایات، تردیدی در ضرورت آوردن آل پیامبر ﷺ پس از نام آن حضرت نیست. صاحب جواهر می‌نویسد: نصوصنا مستفيضة في ذلك. (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۶۲)

آن چه در ذیل می‌آید نمونه‌های اندکی از این روایات است:

صدقه به استناد خود از ابان بن تغلب از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: من صلی علی و لم يصل علی الی لم یجد ريح الجنّه و ان ریحها لتوحد من مسیره خمسماهه عام. (الاماوى، ص ۲۰، نیز نک: مجلسی، ج ۹۱، ص ۵۶، فتاوی نیشابوری، ج ۲، ص ۳۲۳) "هرکس بر من درود فرستد و برخاندانم درود نفرستد، بوی بهشت را نمی‌یابد و این در حالی است که بوی بهشت از مسیر پانصد سال به مشام می‌رسد."

نیز شیخ صدقه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: اذا صلی علی ولم يتبع الصلاة على اهل بيته كان بينها وبين السماوات سبعون حجاباً و يقول الله تبارك و تعالى: لا لبيك ولا سعديك، يا ملائكتي لا تصعدوا دعائه الا ان يلحق بالنبي ﷺ عترته، فلا يزال محجوبا حتى يلحق به اهل بيته. (الاماوى، ص ۵۸۰، ثواب الاعمال، ص ۱۵۷، شعیری، ص ۳۳، نیز نک: حر عاملی، ج ۷، ص ۲۰۴، مجلسی، ج ۹۱، ص ۵۶)

"هرگاه شخصی بر من درود فرستد ولی به دنبال آن، برخاندانم درود نفرستد، میان او و آسمان‌ها هفتاد حجاب خواهد بود و خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: لا لبیک ولا

سعديک، ای فرشتگانم! دعای او را بالا نبريد تا اين که خاندان پیامبر ﷺ را به او ملحق سازد، او پیوسته محجوب خواهد بود تا اين که اهل بيتم را به من محلق سازد."

شیخ کلینی نیز با سند خود از ابن قداح از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: سمع ابی رجلا متعلقاً بالبیت و هو يقول: اللهم صل علی محمد. فقال له ابی: يا عبد الله! لا تبتراها لا تظلمنا حقنا، قل: اللهم صل علی محمد و اهل بيته. (ج ۲، ص ۴۹۵، نیز نک: ابن فهد، ص ۱۶۲، حر عاملی، ج ۷، ص ۲۰۲)

پدرم شنید در حالی که مردی به خانه خدا آویخته بود، می گفت: اللهم صل علی محمد، به او فرمود: ای بنده خدا! صلوات را ابتر انجام نده، درمورد حق ما ستم نکن. بگو: اللهم صل علی محمد و اهل بيته.

در روایتی دیگر از پیامبر اسلام ﷺ آمده است: لا تصلووا علی صلاة مبتورة، بل صلووا الى اهل بيتي و لا تقطعوه، فان كل نسب و سبب يوم القيمه منقطع الا نسبی (حر عاملی، ج ۷، ص ۲۰۷، مجلسی، ج ۵ ص ۲۰۸) "برمن صلوات بی دنباله نفرستید، بلکه به اهل بيتم (نیز) درود فرستید و آن را قطع ننمایید، زیرا روز قیامت هر پیوند نسبی و سببی بریده خواهد بود مگر پیوند نسبی من."^۱

۱. شباهی که ممکن است در اینجا طرح شود آن که به موجب آیه "يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما" (احزاب/۵۶)، تنها به صلوات فرستادن بر پیامبر ﷺ فرمان داده شده و نه در این آیه و نه در هیچ آیه دیگر، برای درود فرستادن بر خاندان پیامبر ﷺ فرمانی صادر نگردیده است.

به نظر می رسد بهترین پاسخ به این شباهه، سخنی است که از امام رضا علیه السلام طی گفت و گویی که بین ایشان و مامون عباسی رخ داده، نقل گردیده. حاصل این گفت و شنود که آن را شیخ صدوق به تفصیل گزارش می کند چنین است:

مامون خطاب به حضرت می گوید: در مورد صلوات بر پیامبر اختلافی نیست و در این زمینه اجماع امت، تحقق یافته است، آیا درباره صلوات بر آل، دلیل روشنی از قرآن دارید؟

حضرت فرمود: بله، به من بگویید مقصود از "یس" در آیه یس "والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین" (یس/۱ و ۲) چیست؟ علمای حاضر در مجلس گفتند: بی تردید مقصود از آن پیامبر ﷺ است. حضرت فرمود: پس مقصود از "آل یس" آنجا که خداوند می فرماید سلام علی آل یس (صفات/۱۳۰) خاندان پیامبر ﷺ خواهد بود. افرون بر آن خداوند در شماری از آیات به برخی از پیامبران، سلام داده، برای مثال فرموده: سلام علی نوح فی العالمین (صفات/۷۹) سلام علی ابراهیم (صفات/۱۰۹) سلام علی موسی و هرون (صفات/۱۲۰) و نفرموده سلام علی آل نوح، سلام علی آل ابراهیم، سلام علی آل موسی و هرون و حال آنکه خداوند بر خاندان این پیامبران نیز درود فرستاده زیرا می گوییم: کما صلیت علی ابراهیم وآل ابراهیم

بحث قابل طرح دیگر در پیوند با چگونگی ذکر صلووات، آن است که آیا اعاده حرف "علی" بر سر کلمه "آل" چنان که در تعبیرات برادران اهل سنت رایج است حکم‌شده است؟ گاه در این باره، شاهد برخی تعصبات هستیم و با این کار، به شدت مخالفت می‌شود و حتی به منظور مردود شمردن چنین تعبیری به حدیثی از پیامبر گرامی ﷺ تمسک می‌شود که بر اساس آن حضرت فرمود: من فصل بینی و بین آلی لم تنله شفاعتی. "هر کس میان من و آل فاصله بیندازد، شفاعتم به او نخواهد رسید." حال آن که شایسته است با پرهیز از این گونه اختلافات لفظی و جزئی، با هر دو تعبیر رایج در میان شیعه و سنی کنار آمد.

محقق معاصر، محمد جواد معنیه در تاکید بر همین مهم می‌نویسد: "ما هیچ فرقی میان عبارت اللهم صلّی علی محمد و آل محمد و عبارت اللهم صلّی علی محمد و علی آل محمد نمی‌بینیم."

در مورد حدیث مذبور نیز می‌نویسد: "الله اعلم بصحّته" (معنیه، ج ٦، ص ٢٣٧)

از نظر نگارنده نه تنها صحّت این حدیث، بلکه اصل وجودش قابل درنگ و تامل است، زیرا با تفحص فراوانی که با بهره‌گیری از امکانات نرم افزاری در همه منابع حدیثی شیعه انجام شد، اثری از این حدیث یافت نگردید.

برفرض وجود و صحّت سند این حدیث، مدلول آن نیز قابل درنگ است، زیرا معلوم نیست مقصود حضرت از فاصله انداختن میان او و آلش، آوردن حرف "علی" بر سر کلمه "آل" باشد، زیرا احتمالات دیگر نیز متصور است، مانند جدایی انداختن بین حضرت و خاندانش در احترام و تکریم یا در معصوم دانستن ایشان یا در مساله ولایت و اموری از این قبیل.

و از این جا دانسته می‌شود که صلووات فرستادن بر آل محمد ﷺ نیز مطلوب و مورد نظر است. (رسکه عیون اخبار الرضا علیهم السلام، ج ١، ص ٢٣٦، نیز رسکه تفسیر صافی، ج ٢، ص ٣٦٥)

پس بهتر است از یک سو، مشهورترین و پرنقش ترین صورت صلوات در میان اهل سنت را - که مذکور گردید - مد نظر قرار دهیم و از سوی دیگر بر حذف حرف "علی" بر سر کلمه "آل" جمود نورزیم و الفاظ ما زاد بر صلوات بر پیامبر ﷺ و خاندانش را از مستحبات و قابل حذف بدانیم، با این فرض‌ها می‌توان گفت عبارت "اللهم صلّ علی محمد و آل محمد" اعم از این که همراه با حرف "علی" بر سر کلمه "آل" باشد یا خیر، عبارتی است مشترک میان فرقین، و می‌توان این ذکر نورانی و پر استعمال را وسیله‌ای ارزشمند در راستای وحدت امت اسلامی قرار داد.

جالب این که در منابع اهل سنت نیز، گاه ذکر صلوات، عیناً با همان عبارت رایج در میان شیعه نقل گردیده. برای نمونه از کعب بن عجزه نقل کرده‌اند که هنگام نزول آیه ۵۶ سوره احزاب به پیامبر ﷺ عرض شد: چگونه برشما صلوات بفرستیم؟ فرمود بگویید: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد ... (ابو داود، ج ۱، ص ۲۲۱)

مازاد بر عبارت فوق، عباراتی مانند: "کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم" و "کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم" گفتن آن‌ها مستحب و غیر دخیل در تحقق اصل صلوات است، چنان که صاحب جواهر می‌نویسد:

الظاهر عدم مدخلية الزيادات في كيفية اصل الصلاة بل هي مستحب في مستحب. (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۶۴) "ظاهر (روايات) آن است که الفاظ مازاد، دخالتی در چگونگی اصل صلوات ندارد بلکه آن‌ها مستحب در مستحب می‌باشند."

وی به نقل از علامه حلی نیز می‌نویسد: المجزى من الصلاة: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و مازاد مستحب بالخلاف. (همان، ص ۲۶۳) "در درود فرستادن (برپیامبر ﷺ) عبارت اللهم صلّ علی محمد و آل محمد کفايت می‌کند و مازاد بر آن، بدون اختلاف در میان فقهاء، مستحب است".

نتیجه‌گیری

روایات اهل سنت و شیعه و نیز سخنان فقهای فریقین، حاکی از جایگاه رفیع ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ و اهل بیت او است. از نظر فقهای شیعه، ادای این ذکر در تشهید نماز واجب است و به حسب ظاهر می‌توان فقهای اهل سنت یا بیشتر آنان را نیز همراه با این دیدگاه دانست.

در مورد چگونگی ذکر صلوات، تفاوت‌هایی در روایات اهل سنت به چشم می‌خورد. ولی می‌توان قدر مشترک میان آنها را عبارت "اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد" دانست، زیرا این مضمون، در همه عبارت‌های منقول در روایات آنان به چشم می‌خورد. از سوی دیگر دلیلی بر لزوم آوردن حرف "علی" بر سر کلمه "آل" وجود ندارد. به دیگر سخن، با گفتن این عبارت، تکلیف اعم از وجوبی یا استحبابی ادا می‌گردد و بدین ترتیب نوعی قرابت و همگرایی بین شیعه و اهل سنت حاصل می‌شود.

البته شیعیان، بر لزوم الحاق آل پیامبر ﷺ به آن حضرت و به تعییر دیگر بر مردود بودن صلوات مبتوره، تاکید و اهتمام فراوان دارند، ولی محدثان و عالمان اهل سنت در این باره، اهتمام چندانی نشان نمی‌دهند و شایسته است عالمان اهل سنت، در این مورد درنگ بیشتر کنند و در صورتی که جوامع حدیثی آنان متعرض این امر نشده، با تکیه بر راویان مورد وثوق شیعه، این نقیصه را برطرف نمایند.

منابع

قرآن کریم

- ١- ابن ابی شيبة کوفی، *المصنف*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- ٢- ابن بطريق، *خصائص الوجه المبين*، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۷ق.
- ٣- ابن حنبل، احمد، *المسنن*، بیروت، دارصادر، بی تا.
- ٤- ابن فهد، علّة الداعی، تهران، دارالكتاب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
- ٥- ابن ماجه، محمد، *المسنن*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ٦- ابوداد، سلیمان بن اشعث، *السنن*. بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ٧- بحرانی، یوسف، *الحدائق الناخذه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، بی تا.
- ٨- بخاری، محمد بن اسماعیل، *الصحیح*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- ٩- _____، *الادب المفرد*، تحقيق فؤاد عبد الباقی، مؤسسه الكتب الثقافية، بی تا.
- ١٠- برقی، محمدبن خالد، *المحاسن*، قم، دارالكتاب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
- ١١- بکری دمیاطی، اعانته الطالبین، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
- ١٢- بیهقی، احمدبن حسین، *السنن الکبری*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ١٣- ترمذی، محمدبن عیسی، *السنن*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- ١٤- جهضمی، اسماعیل بن اسحاق، *فضل الصلاة على النبي ﷺ*، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۳۷۹ق.
- ١٥- حاکم نیشابوری، مستدرک *الصحابیین*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۳ق.
- ١٦- حرّ عاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، موسسه آل البيت *العلیا*، ۱۴۰۹ق.
- ١٧- دارمی، عبدالله بن بهرام، *السنن*، دمشق، مطبعة الاعتدال، بی تا.
- ١٨- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، *اعلام الدین*، قم، موسسه آل البيت *العلیا*، ۱۴۰۸ق.
- ١٩- زرندی، محمد بن یوسف، *نظم درر السمطین*، مکتبة المیر المؤمنین *العلیا*، ۱۳۷۷ق.
- ٢٠- شافعی، محمد بن ادريس، *المسنن*، بیروت، دارالكتاب العلمیه، بی تا.
- ٢١- شعیری، تاج الدین، *جامع الاخبار*، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۵ش.
- ٢٢- صدقی، محمدبن علی، الامالی، تهران، انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ش.
- ٢٣- _____، *ثواب الاعمال*، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴ش.
- ٢٤- _____، *عيون اخبار الرضا *علیه السلام**، تهران انتشارات جهان، ۱۳۷۸ق.
- ٢٥- _____، *معانی الاخبار*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۱ش.
- ٢٦- _____، *من لا يحضره القمي*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ق.
- ٢٧- طوسمی، محمدبن حسن، الامالی، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.

- ٢٨— تهذيب الأحكام، تهران، دار الكتب العلمية، ١٣٦٥ش.
- ٢٩— عسقلاني، ابن حجر، فتح الباري بشرح البخاري، بيروت، دار المعرفة للطباعة والنشر، بي.تا.
- ٣٠— فضال نيسابوري، محمد بن حسن، روضة الواطئين، قم، انتشارات شريف رضي، بي.تا.
- ٣١— فيض كاشاني مأامحسن، تفسير صافى، تهران، المكتبة الإسلامية، ١٣٦٢ش.
- ٣٢— قاضى نعمان مغربي، شرح الاخبار في فضائل الانتماء الاطهار، قم، انتشارات جامعة مدرسین حوزة علمیه، بي.تا.
- ٣٣— كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٣٦٥ش.
- ٣٤— مباركفوری، محمد عبدالرحمن، تحفة الاحدی، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.
- ٣٥— مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٤ق.
- ٣٦— مغنية، محمد جواد، التفسیر الكاشف، تهران، دار الكتاب، ١٤٢٤ق.
- ٣٧— مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، قم، كنگره شیخ مفید، ١٤١٣ق.
- ٣٨— نجفی، محمد حسن، جواهر الكلام، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٣٦٧ش.
- ٣٩— نسابی، احمد بن شعیب، السنن، بيروت، دار الفكر، ١٣٤٨ق.
- ٤٠— نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٨ق.
- ٤١— نووى، محبى الدين، شرح صحيح مسلم، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ق.
- ٤٢— هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ق.